

باورهای غیرمنطقی در دانشآموzan

ماه صنم حسینی^۱. زهرا لطیف^۲. پروانه جریان پور^۳. ناهید سیمی^۴

۱. کارشناس علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، ایران
۲. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت، ایران
۳. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت، ایران
۴. کارشناس زبان و ادبیات عرب، دانشگاه سمنان، ایران

چکیده

نظام آموزشی به عنوان نهادی پویا، آینده نگر و برگرفته از اندیشه‌های تاریخی و اجتماعی وظیفه‌ی سنگین و در عین حال افتخارامیز، آگاه سازی و هدایت انسان را بر اساس بنیادهای اعتقادی و ارزشی جامعه بر عهده دارد. بی‌تردید، نهاد تعلیم و تربیت بر نهادهای مشروع و واقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عمل می‌کند و در پیوندهای گذشته با حال و حال با آینده به گونه‌ای زنده و منطقی می‌کوشد. آموزش و پرورش کشورمان هم اکنون با واقعیت رو به روست که هریک از دست اندکاران و مستثولان این نهاد از زاویه‌ی نگاه کارشناسی خود بر ان اعتراف کردند.

خانواده‌ها نیز ناخواسته زمینه‌ی رویگردانی دانشآموzan از تحصیل و یادگیری را فراهم می‌آورند. در بسیاری از خانواده‌ها به دلایل مختلف، فرهنگ غلطی شکل گرفته که بر اساس آن هدف از مدرسه و تحصیل تنها کسب نمرات عالی است در حالی که بایستی هدف افزایش دانسته‌های علمی و ارتقای شخصیت افراد پیگیری شود. متناسبانه برخی از خانواده‌ها آن‌چنان بر خواسته غلط خود اصرار دارند که بعضی از دانشآموzan را به بی انگیزگی در تحصیل، سرخوردگی، عدم اعتماد به نفس و حتی تقلب سوق می‌دهد. باورهای غیرمنطقی دانشآموzanی که دچار ناکامی‌های تحصیلی گردیده‌اند باعث اشتغال خاطرتحلیل اثری ذهنی و عدم تمرکز حواس، ایجاد فکر زائد، کاهش اعتماد به نفس و در نهایت به نوبه خود تشديد و تکرار افت تحصیلی آنان می‌گردد. در حالی که فرد تابع افکار و عقاید غیرمنطقی باشد به عواقب منطقی دست خواهد یافت و شخصیت سالمی خواهد داشت در حالی که فرد تابع دستخوش افراد و عقاید غیرمنطقی مواجه خواهد شد که در این حالت او فردی است مضطرب و غیر عادی که شخصیت ناسالمی دارد (پاین ۱۹۷۴، پاترسن ۱۹۶۶، به نقل از شفیع ابادی ۱۳۶۸).

واژه‌های کلیدی: دانشآموzan، باورهای غیرمنطقی، آموزش و پرورش

مقدمه:

هدف‌های آموزش و پرورش زمانی عملی خواهد شد که دانش‌آموزان از نظر جسمی، ذهنی، روانی، اجتماعی و اخلاقی برای انجام دادن فعالیت‌های مربوط آمادگی داشته باشند. اگر دانش‌آموزان دچار مشکلاتی شوند رشد و یادگیری آنان مختلف می‌گردد و معلم به تنهایی نمی‌تواند و نه فرصت دارد که به مشکلات آنان رسیدگی کند (شفع آبادی، ۱۳۸۳).

مردودی دانش‌آموزان در امتحانات و عواقب دردناک و مسائل و مشکلات که از آن راه گریبان‌گیر دانش‌آموزان و معلم، مدیر و والدین و حتی جامعه و کشور می‌شود نیاز چندانی به توصیف ندارد تنها عقب ماندگی از یک سال تحصیل نیست که مارا در دریابی از غم و اندوه غوطه ور می‌سازد. شماتی دوستان آگاهی معلمان، سرزنش اولیاء و آشتیان همچون خاری در جان می‌خلد و چون سوهانی از روح نشاط و اتکاء به نفس می‌کاهد (اردبیلی، ۱۳۷۹).

یکی از علل افت تحصیلی مربوط به خود دانش‌آموز می‌باشد. در مرور خود دانش‌آموز تحقیقات متعددی در ارتباط عزت نفس با مفهوم تحصیل، مشکلات عاطفی پیشرفت تحصیلی توامندی حرکتی و پیشرفت تحصیلی و... غیره صورت گرفته است. بخش قابل توجهی از علل افت و ناکامی‌های تحصیلی را باید در باورها و نگرشهای دانش‌آموزان نسبت به خود، محیط تحصیل و دیگر عامل جستجو کرد. باورهای غیرمنطقی دانش‌آموزانی که دچار ناکامی‌های تحصیلی گردیده‌اند باعث اشتغال خاطر تحلیل انرژی ذهنی و عدم تمرکز حواس، ایجاد فکر زائی، کاهش اعتماد به نفس و در نهایت به نوبه خود تشديد و تکرار افت تحصیلی آنان می‌گردد. در حالی که فرد تابع افکار و عقاید غیرمنطقی باشد به عواقب منطقی دست خواهد یافت و شخصیت سالمی خواهد داشت در حالی که فرد تابع دستخوش افراد و عقاید غیرمنطقی مواجه خواهد شد که در این حالت او فردی است مضطرب و غیر عادی که شخصیت ناسالمی دارد (پاین، ۱۹۷۴، پاترسن، ۱۹۶۶، به نقل از شفیع آبادی ۱۳۶۸).

شخصیت ناسالم

مکتب عقلانی - عاطفی بر اساس تفکر غیر عقلانی و تغییر رفتار از راه ایجاد تفکر عقلانی و استدلال‌های محکم و منطقی است تمام تلاش در این است که مراجع از تفکر غیر عقلانی و متناقضش با نفس خویش دست بردارد و فلسفه واقع‌بینانه‌تر و منطقی‌تر زندگی بدست آورد (شفع آبادی ۱۳۶۸).

از آنجا که آموزگاران و دیبران ما در واقع متخassان تدریس مواد و موضوعات درسی‌اند باید آنان نیز قادر باشند دانش‌آموزانی که شیوه‌های نادرستی در فرآگیری و تحصیل دارند، بشناسند و آن‌ها را یاری کنند تا روش‌های صحیح‌تری در کار و تحصیل خود پیش گیرند. (اردبیلی ۱۳۷۹) اگر دانش‌آموزی فکر می‌کند مدرسه کسل‌کننده و موجب اتلاف وقت است، احساساتی را تجربه می‌کند که دامنه آن‌ها از بی‌تفاوتوی و کسالت تا اضطراب بیگانگی را در برمی‌گیرد. از سوی دیگر

اگر دانش آموزی فکر می کند که مدرسه جالب است و تلاش او و وقتی ارزشمند است آنگاه او دامنه احساساتی از تهیج و علاقه مندی تا کنجکاوی و دلبستگی را تجربه خواهد کرد. به عبارت دیگر احساسات منفی از افکار منفی و احساسات مثبت از افکار مثبت سرچشمه می گیرد. (ابراهیم قوام ۱۳۷۶).

باورهای غیرمنطقی در مورد مشکلات آینده (دلواپسی اضطرابی)

اعتقاد فرد به اینکه چیزهای خطرناک و ترس آور موجب نهایت نگرانی می شوند و فرد باید همواره کوشای باشد تا امکان به وقوع پیوستن آنها را به تأخیر بیندازد. این شور غیر عقلانی است زیرا ناراحتی و اضطراب زیاد عوارض زیر را به بار می آورد.

الف) مانع ارزشیابی عینی حادثه های خطرناک و ترس آور می شود.

ب) اگر اتفاقی بیفتند مانع مقابله منطقی با آن می شود.

ج) به ظهور خطر کمک می کند.

د) امکان وقوع آن بیش از حد افزایش می باید.

ه) در اغلب موارد نمی توان از وقوع حادثه غیر قابل پیش بینی جلوگیری کرد.

و) موجب بدتر شدن حادثه و رویداد خواهد شد.

سعی کنید خطر واقعی مسائلی را که از آنها می ترسید به دقت بررسی کنید و بینید در صورت وقوع چه حادثه هولناکی اتفاق می افتد. برای انکه زندگی کامل و خلاقی داشته باشید باید برشی از خطرها را به جان خرید. سر منشاء بخش زیادی نگرانی های شدید شما، تعریف شما در مورد آن نگرانی ها است (الیس و هارپر ترجمه فیروز بخت ۱۳۷۷ جلالی طهرانی ۱۳۷۲). در این رابطه همیشه یادتان باشد که فنا پذیر و ذاتاً محدودیت هایی دارید. همچنین یادتان باشد که نمی توانید به طور کامل بر ترسها و اضطراب ها غلبه کنید و زندگی یعنی جنگ دائمی با نگرانی های نامعقول. اگر در این جنگ هوشمندانه و بدون غفلت عمل کنید تقریباً از نگرانی های غیر ضروری خود خلاص خواهید شد از این بهتر چه می خواهید (الیس و هارپر ترجمه فیروز بخت ۱۳۸۱).

باورهای غیرمنطقی و توقع از خود (انتظارات بالا از خود)

اعتقاد به این که لازمه احساس ارزشمندی وجود حداکثر لیاقت کمال و فعالیت شدید است. این تصور نیز امکان پذیر نیست و تلاش و سوسایی راه کسب آن فرد را به اضطراب و بیماری روانی مبتلا می کند و در زندگی احساس حقارت و ناتوانی به فرد دست می دهد. سعی کنید همیشه به دنبال عملکردهای خوب باشید نه عملکردهای کامل، سعی کنید عملکردهای خود را اصلاح کنید نه عملکردهای دیگران، کارهای مورد علاقه خود را دوست داشته باشید و سعی کنید در آنها موفق شوید. شکست های احتمالی را هم اتفاق نا خواهایند بدانند نه یک افتضاح و این شکست ها را نشانه بی ارزشی ذاتی خود ندانند (الیس و هارپر ترجمه

فیروز بخت ۱۳۷۷ ساعتی (۱۳۷۴). اگر معتقد باشید که باید در تمامی زمینه‌ها آدم با کفایت و لایقی باشید چاره‌ای ندارید جز انکه یا خودتان را یک انسان ندانید و یا یک ادم حقیر، به عبارتی دیگر به یک شیطان شبیه می‌شوید. پس اگر می‌خواهید در یک طرح، حرفه یا فعالیت، فرد با کفایتی باشید بدون هر گونه سرزنشی صادقانه پذیرید که تمام تلاشتان را کرده‌اید اما شکست خورده‌اید، انگاه به جای انکه سعی کنید بهترین باشید فقط تلاش خواهید کرد وتلاش‌هایتان را ملاک ارزشمندیتان قرار نمی‌دهید. به این ترتیب صادقانه سعی خواهید کرد بر کارها و حتی خودتان مسلط شوید نه اینکه به دیگران ثابت کنید از آن‌ها بهترید حتی اگر عمل کرد خوبی داشته باشید (الیس هارپر ترجمه فیروز بخت، ۱۳۸۱).

باورهای غیرمنطقی سرزنش کردن

اعتقاد به سرزنش و تنبیه گناهان باعث می‌شود تا مردم احساس کنند بی ارزش هستند. مدام به خطاكاري فکر کنند، انکار کنند که مرتکب عمل اشتباхи شده‌اند و یا از تصدیق اشتباهاشان خودداری کنند. آن‌ها نمی‌توانند عمل ساده اصلاح رفتار را انجام دهند چون به خاطر سرزنش کردن خود مدام به تنبیه خودشان فکر می‌کنند، یا در همان بدو امر از قبول خطای خود طفره می‌روند. پس سرزنش یا احساس گناه به جای انکه موجب کاهش خطا شود عمدتاً موجب ریاکاری، بی‌اخلاقی و طفره رفتن از مسئولیت پذیری می‌شود. شما می‌توانید یاد بگیرید که بین مسئولیت پذیری و سرزنش تفاوت بگذارید. این شما هستید که غالباً مسئول رفتاران می‌باشید. یعنی رفتارها عملاً از شما سر میزند و از لحاظ نظری می‌توانید جلوی آن‌ها را بگیرید. اما این که اعمالی مرتکب شده‌اید که از حیطه مسئولیت شما خارج بوده‌اند، دلیل نمی‌شود که موجود پست و بی ارزشی شوید، یا تا ابد خودتان را سرزنش کنید. بدون تفکر هیچ عملی را نادرست یا غیر اخلاقی ندانید بلکه سعی کنید ان عمل را مورد بررسی قرار دهید. اگر به نظر شما عاقلانه‌تر آن است که با برخی از قوانین هم رنگی کنید، حتی اگر آن‌ها بی ارزش‌اند از قوانین پیروی کنید. اما اگر با برخی رسوم مخالف هستید و تصور می‌کنید می‌توانید با مخالفت آن‌ها را مسخر کنید، البته تا جایی که این مبارزه به ضررتان تمام نشود (الیس، هارپر ترجمه فیروز بخت ۱۳۸۱).

باورهای غیرمنطقی واکنش به ناامیدی‌ها

اعتقاد فرد به این که اگر وقایع وحوادث آنطور نباشد که او می‌خواهد نهایت ناراحتی و بیچارگی به بار می‌آید و فاجعه امیز خواهد بود. این طرز تفکر غلطی است، زیرا ناکام شدن احساس طبیعی است ولی حزن و اندوه شدید و طولانی یک موضوع غیرمنطقی است وقی اوضاع خوب نیست سعی کنید قاطعانه آن را عرض کنید. وقتی هم نمی‌توانید شرایط را هم تغییر دهید ان را پذیرید (ویه دنیال فرصتی برای تغییر ان بگردید) هرچه ناکامی‌ها یا فقد آن‌های شما بزرگ‌تر باشند، باید برخوردن تان نسبت به آن‌ها فلسفی تر باشد، یعنی آن‌ها را ناخوشایند بدانید نه غیر قابل تحمل (الیس هارپر ترجمه فیروز بخت ۱۳۷۷، شفیع آبادی

وناصری ۱۳۷۴). وقتی با چند ناکامی متوالی رویرو می‌شوید ابتدا سعی کنید ببینید آیا این ناکامی‌ها خودشان برای شما مشکل ایجاد کرده‌اند یا اینکه تفسیرشما از آن‌ها چنین مشکلاتی را به وجود آورده است. بهتر است خیلی ارام و به شکل واقع بینانه وضعیت خود را پذیرید. همچنین تصمیم بگیرید بر آن دسته از ناکامی‌های که می‌توانید آن‌ها را رفع کنید یا کاهش دهید غلبه کنید.

باورهای غیرمنطقی کنترل هیجانات (بی‌مسئولیتی عاطفی)

اعتقاد فرد به این که گروهی از مردم بد، شرور و بد ذات هستند و باید به شدت تنبیه و مذمت شوند. این عقیده غیر عقلانی است زیرا معیار منطقی برای درست و نادرست موجود نیست.

اعمال نادرست یا غیر اخلاقی ما مثل حمافت و جهالت و یا اختلال عاطفی است. تمام انسان‌ها دچار خطأ و اشتیاه می‌شوند، سرزنش، تنبیه، معمولاً به بهدود رفتار نمی‌انجامد، زیرا در کاهش حمافت، افزایش هوشمندی و تعادل هیجانی تاثیر نمی‌کند خطاهای خودتان و دیگران را پذیرید و از آن‌ها درس عبرت بگیرید قبول کنید که انسان‌ها جایز الخطاء هستند. متوجه بشید که وقتی خودتان و دیگران را تحقیر و سرزنش می‌کنید، رفتار کمال گرایانه و بزرگ منشآنهای انجام داده اید و با این کاربه جای اصلاح خطاهایتان موجب تداوم آن‌ها می‌شوید.

انسان‌ها همان اعمالشان نیستند و اشخاصی را که اعمال بدی انجام می‌دهند آدم‌های بدی ندانید (ایس و هارپر ترجمه فیروز بخت ۱۳۷۷، شفیع آبادی و ناصری ۱۳۷۴).

باورهای غیرمنطقی فرار از مشکلات (اجتناب از مشکلات)

اعتقاد فرد به اینکه اجتناب و دوری از بعضی از مشکلات زندگی و مسئولیت‌های شخصی، برای فرد آسان‌تر از مواجهه شدن با آن‌هاست. این تفکر غیر عقلانی است، زیرا دوری و اجتناب از یک کار سخت‌تر و دردناک‌تر از انجام آن است و به شکل و نارضایتی‌های بعدی می‌انجامد و باعث کاهش اعتماد به خود می‌شود. لذت‌پرستی موقتی ویا اصرار به ارضای آن معمولاً فلسفه‌ای نا معقول است، بنابراین به شما توصیه می‌کنیم پیرو رویکرد لذت و خوشنودی عاقلانه و درازمدت باشید. کارهایی را که صلاح است (یا باید!) انجام دهید مشخص کنید و صرف نظر از میزان ناخوشایندی آن‌ها بدون منشی و با اشتیاق زیاد آن‌ها را انجام دهید اگر چه خویشتندار شدن آن‌ها در سطحی وسیع کاری دشوار است اما در دراز مدت کار اسانی خواهد بود (ایس و هارپر، ترجمه فیروز بخت، ۱۳۷۷، شفیع آبادی و ناصری ۱۳۷۸).

باورهای غیرمنطقی اتکاء به دیگران (وابستگی)

اعتقاد فرد به این که باید متکی به دیگران باشد ولازم است که به فرد قوی‌تری تکیه کند. در عین حال که ما تا حدی بر دیگران متکی هستیم، دلیل بر افزایش وابستگی وجود ندارد، زیرا وابستگی شدید به فقدان یا

کاهش استقلال، فردیت و تجلی نفس می‌انجامد. وابستگی موجب وابستگی شدیدتر، قصور در یادگیری و نالمنی خاطر می‌شود چرا که در این حالت انسان همواره در پناه افراد دیگر زندگی می‌کند که به آن‌ها وابسته است. فرد عقلانی برای کسب استقلال و مسئولیت برای خویشتن تلاش می‌کند ولی هیچ‌گاه هم از دریافت کمک‌های لازم امتناع نمی‌ورزد (الیس وهارپر، ترجمه فیروز بخت ۱۳۷۲، جلالی تهرانی ۱۳۷۲).

باورهای غیرمنطقی درمانده شدن از تغییر دادن خود (درماندگی نسبت به تغییر)

اعتقاد فرد به این که تجارب و وقایع گذشته و تاریخچه زندگی، تعیین کنند مطلق رفتار کنونی است و اثر گذشته را در تعیین رفتار کنونی به هیچ وجه نمی‌توان نادیده گرفت. این عقیده غیرعقلانی است، زیرا رفتارهای گذشته، ممکن است درحال حاضر هیچ گونه کاربرد و ضرورتی نداشته باشد و ممکن است راه حل‌های گذشته به هیچ وجه برای مشکل کنونی مناسب نباشد.

وقتی تاریخچه زندگی خود را به دقت بررسی می‌کنید و سعی می‌کند که از آن درس عبرت بگیرید، متوجه خواهد شد که زمان حال، گذشته فرد خواهد بود. بنابراین اگر حال خود را بهبود بخشیده‌اید، شما با بازنگری مدام فرضیه‌های قبلی خود و با کار مجدد بر روی عادت‌های قبلی خود می‌توانید از تاثیر مخرب کودکی و نوجوانی خود بکاهید (الیس وهارپر ترجمه فیروز بخت، ۱۳۷۷، ساعتچی ۱۳۷۴).

باورهای غیرمنطقی کمال طلبی

اعتقاد فرد به اینکه برای هر مشکلی همیشه یک راه حل درست و کامل (فقط یک راه حل) وجود دارد و اگر انسان به ان دست نیابد، بسیار وحشتناک و فاجعه آمیز خواهد بود.

این عقیده به دلیل‌های غیر عقلانی است.

(الف) هیچ‌گاه چنین راه حل کاملی وجود ندارد.

(ب) نتایجی که فرد از قصور در پیدا کردن چنین راه حلی تصور می‌کند، غیرواقعی است و تأکید بر پیدا کردن چنین راه حل مطلقی به اضطراب و ناراحتی می‌انجامد.

(ج) این نوع کمال‌گرایی به راه حل‌های ناقص تری منجر خواهد شد. فرد عقلانی بر عکس می‌کوشد تا حتی الامکان راه حل‌های متعددی را برای مشکل خویش بیابد و از بین آن‌ها بهترین و عملی‌ترین را انتخاب کند. او آگاه است که هیچ راه حل کاملی نیست و سودمندی راه حل‌ها امری نسبی است و بر حسب موقعیت متغیر است (الیس وهارپر ترجمه فیروز بخت، ۱۳۷۷، شفیع‌آبادی و ناصری ۱۳۷۴).

مردم باید روش خود را تغییر دهند، وقتی نمی‌توانیم راه حلی برای موقعیت‌های دردناک پیدا کنیم زندگی وحشتناکی خواهیم داشت. واقعیت همین است که هست، پس بهتر است قبل از آنکه بخواهید آن را عوض کنید، آن را پیدا کنید. گاهی بهتر است به جای پیدا کردن راه حل‌های کامل و مشخص به دنبال راه حل‌های معقول یا مصالحه باشیم (الیس وهارپر ترجمه فیروز بخت نشریه هدف و اقتصاد ۱۳۸۴).

میان باورهای غیرمنطقی، وابستگی به دیگران بین دانش آموختن عادی و دانش آموختن دچار ناکامی تحصیلی تفاوت معنا داری وجود دارد. در صورتی که نه در باور غیرمنطقی دیگرین دانش آموختن عادی و دانش آموختن دچار ناکامی تحصیلی تفاوت معنا داری وجود ندارد. لذا در مورد باور غیرمنطقی وابستگی به دیگران شایسته است که با انجام فعالیت‌های شناختی نسبت به اصلاح این باور در بین دانش آموختانی که دچار ناکامی تحصیلی شده‌اند اقدام شود باید به آن‌ها آموزش داده شود که نتیجه این اعتقاد که شما باید به دیگران وابسته باشید و به آن‌ها در تصمیم‌گیری متکی باشید از دست دادن استقلال‌تان و دست کشیدن از آنچه که می‌خواهید باشید و هر چه بیشتر به دیگران برای کمک در امور تصمیمات گوناگون متکی باشید و کمتر کاری برای خودتان انجام خواهید داد. بنابراین کمتر از انجام امور درس خواهید گرفت و سبب خواهد شد که احساس آرامش کاذبی بکند. تنها هنگامی خواهید توانست اساس آرامش واقعی داشته باشید که برایتان اهمیت نداشته باشد که چقدر مرتكب اشتباه شوید و با این حال احساس پوچی نکنید. آرامش خاطراز آنجا ناشی می‌شود که این واقعیت را پذیرا باشید که شما به عنوان یک انسان جائز‌الخطا می‌باشید نه اینکه بخواهید به دیگران برای حمایت از شما در قبال اشتباهاتی که مرتكب می‌شوید متکی باشید علاوه بر این تا این حد به دیگران وابسته بودن شما را ممنون آن‌ها خواهد کرد.

فهرست منابع و مأخذ

- ۱- استادی، رضا (۱۳۷۴). بررسی بین باورهای غیرمنطقی و عزت نفس در دانشآموزان پایه چهارم دبیرستان شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی علامه طباطبائی تهران.
- ۲- احیایی، محمد (۱۳۸۴). بررسی باورهای غیرمنطقی در بین دانشآموزان عادی و دانشآموزان ناکام تحصیلی در بین دانشآموزان سال سوم دبیرستان شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- ۳- آزاد، حمید (۱۳۸۴). سلامت روان از دیدگاه الیس، نشریه اصول بهداشت روانی: تهران.
- ۴- الیس، آلبرت (۱۳۸۴). همیشه دیگران باید مرا تأیید کنند، نشریه اقتصاد.
- ۵- بیانگردد، اسماعیل (۱۳۷۰). بررسی بین مفاهیم منبع کنترل عزت نفس و پیشرفت تحصیلی پسران سال سوم دبیرستان های شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی علامه طباطبائی.
- ۶- شفیع آبادی، ناصری (۱۳۷۷). نظریه های مشاوره روان درمانی.
- ۷- نشریه فولاد- ۲۸ چگونه باورها و افکار غیرمنطقی در افراد رشد می کند؟ روان درمانی باورها و افکار غیرمنطقی.
- ۸- نشریه کیهان، چگونه بر افت تحصیلی غلبه کنیم: آفتنی که همه چیز را هدر می دهد.
- ۹- نشریه ابزار (۱۳۷۸). ۱۰ درصد افت تحصیلی حاصل این همه اصلاحات، طراحان نظام آموزشی تیشه به ریشه می زند.
- ۱۰- نشریه رشد معلم، شناخت دلایل افت تحصیلی ۸۴۱
- ۱۱- نشریه جمهوری اسلامی، با افت تحصیلی فرزندان چه باید کرد؟ ۱۳۷۸.
- ۱۲- موسوی، حسن (۱۳۸۱-۱۳۷۹). عوامل مؤثر بر افت تحصیلی، نشریه اطلاعات.